

## مرجع امنیت ملی در اندیشه‌ی فقهی امام خمینی

سید سعید موسوی هاردنگی<sup>۱</sup>

### چکیده

**هدف:** مسائل مربوط به امنیت با تغییرات سبک زندگی اجتماعی بشر، از عمق و گستردگی بیشتری برخوردار گردید و موجب طراحی شیوه‌های نوین امنیتی شد. یکی از مهم‌ترین مسائل در نظریات امنیتی، سؤال از مهم‌ترین موضوعاتی است که بیشتر در معرض تهدید و آسیب است و بیشتر باید از آنها مصون بماند؛ یعنی مرجع امنیت. به خاطر جامعیت اسلام، این سؤال به ذهن خطور می‌کند که نظر آن در مورد مرجع امنیت چیست. از جمله روش‌های رسیدن به نظریه امنیتی اسلام، جستجو در ایده فقها در مسئله مرجع امنیت ملی است. امام خمینی(ره) یکی از فقهای معاصر امامیه با جایگاه منحصر به فرد اجتماعی و سیاسی است؛ لذا اندیشه ایشان دارای پشتوانه عظیم چنین تجربه‌ای است. هدف این مقاله، رسیدن به مرجع امنیت از منظر امام خمینی(ره) است.

**روش‌شناسی پژوهش:** این پژوهش بنیادی و اکتشافی درصدد است با روش استنباط استنادی و با ملاک‌هایی نظیر تصریح، تأکید، تکرار و ...، به هدف مورد اشاره دست یابد.

**یافته‌ها:** پژوهش حاضر از جهت نوع ورود به بحث امنیت و ساختار مباحث آن، از تحقیقات صورت گرفته در این موضوع ممتاز است. از آنجا که محور امنیت در این نوشتار، انسان و حقوق اوست، شاکله بحث طبق تقسیم به حقوق ذاتی بنیادین، حقوق ذاتی ربنایی و حقوق عرضی انسان طراحی گردیده است. بر طبق یافته‌های تحقیق حاضر، در هر کدام از دسته‌بندی‌های سه‌گانه فوق، به ترتیب سه موضوع اسلام، ثبات کشور و استقلال، دارای اهمیت بیشتر بوده است.

**نتیجه‌گیری:** نتیجه نهایی این که از بین این موارد، نظام اسلامی دارای اولویت بیشتر و مرجع امنیت ملی از منظر رهبر کبیر انقلاب اسلامی است.

**کلیدواژه:** مرجع امنیت ملی، اندیشه فقهی امام خمینی، اسلام، ثبات کشور، استقلال و هویت ملی.

**مقدمه****طرح مسئله**

با پیچیده‌تر شدن روابط اجتماعی، مسائل مرتبط با امنیت نیز از عمق و گستردگی بیشتری برخوردار شده؛ شیوه‌ها و نظریات نوین امنیتی توسط بزرگان سیاسی و علمی مطرح گردید. یکی از مهم‌ترین مسائل در طرح نظریات امنیتی و ایجاد نظامات مرتبط با آن، سؤال از موضوعی است که امنیت آن در کانون توجه قرار دارد که در مطالعات جدید با عنوان مرجع امنیت معرفی می‌گردد. از آنجا که یکی از سطوح مهم امنیت، امنیت ملی است، مسئله مرجع امنیت ملی جایگاه مهمی در نظریات امنیتی دارد.

اسلام دین جامعی است؛ لذا جا دارد که نظریه اسلام در مورد مرجع امنیت ملی نیز مورد بررسی قرار گیرد. یکی از راه‌های پی بردن به ایده اسلام، کنکاش در اندیشه فقها و حاصل اجتهاد آنهاست. از بین فقهای شیعه مسلماً کسانی که بیشتر در جریان مسائل اجتماعی و سیاسی بوده‌اند، گستره مباحث فقهی آنها نیز از این حیث وسیع‌تر خواهد بود که نمونه بارز آن امام خمینی است؛ از همین رو بررسی دیدگاه‌های فقهی ایشان، می‌تواند کمک شایانی در حصول نظریه امنیتی اسلام نماید. مسئله‌ی مقاله حاضر، چستی مرجع امنیت ملی از منظر فقهی امام خمینی(ره) است.

پیشینه تحقیق در موضوع مورد بحث در سه محور ۱. امنیت ملی از منظر امام خمینی(ره)؛ ۲. مرجع امنیت ملی در اندیشه امام خمینی(ره) و ۳. مرجع امنیت ملی در اندیشه فقهی امام خمینی(ره) بررسی شد. در محور اول منابع زیادی تدوین گشته؛ مانند (کریمی‌مله و بابایی، ۲۰۱۱)، (کرم‌نیا، ۲۰۱۶)، (سهرابی، ۲۰۰۵) و (لکزایی، ۲۰۱۹). همچنین در محور دوم نیز به مواردی مانند (خسروی، ۲۰۱۲)، (قربی و موسوی، ۲۰۱۴)، (سعادت‌فر، ۲۰۱۰)، (پورسعید، ۲۰۱۰)، (امیرخانی، ۲۰۱۱) و (نورمحمدی، ۲۰۱۵) می‌توان اشاره نمود. در سومین محور که مسئله مقاله حاضر است، اگرچه در لابه‌لای برخی منابع (حاج‌زاده، ۲۰۱۵) اشاراتی شده، ولی نوشته‌ای که در این موضوع متمرکز شده باشد، توسط نویسندگان یافت نشد؛ علاوه بر این که روش و ساختار این نوشتار نیز دارای وجهی متفاوت با آن منابع است.

پژوهش حاضر از لحاظ هدف، بنیادی نظری و از جهت ماهیت نیز، پژوهشی اکتشافی است؛ همان‌طور که از منظر نوع داده، صرفاً کیفی است. این تحقیق درصدد است با بررسی سخنان و مکتوبات امام خمینی(ره)، دیدگاه ایشان را در مورد مرجع امنیت ملی به‌دست آورد؛ لذا روش تحقیق، استنباط استنادی است.

**چارچوب مفهومی****امنیت**

امنیت مصدر جعلی از مصدر عربی أمن است که در معانی بی‌بیم بودن، ایمن شدن، اطمینان، آرامش قلب و آسایش به‌کار رفته است (معین، ۲۰۰۷: ۱۹۴). معادل امنیت در زبان‌های عربی و انگلیسی نیز مفهومی مشابه آن در فارسی دارد (افتخاری، ۲۰۱۳: ۵۷). برخلاف لغت، در معنای اصطلاحی امنیت، ابهام و عدم

اجماع وجود دارد و این واژه در مقابل تعریف، مقاومت به خرج می‌دهد (مک‌سوئینی<sup>۱</sup>، ۲۰۰۴: ۱۳). با این وجود، به نظر می‌رسد با یک تعریف واحد، انسجام بهتری در امنیت پژوهی خواهیم داشت؛ لذا با کمک و استناد به برخی تعاریف مطرح (افتخاری، ۲۰۱۳: ۵۷-۶۷ و جهان بزرگی، ۲۰۰۹: ۳۵)، تعریف زیر پیشنهاد می‌شود:

امنیت: وضعیتی که دربردارنده مصونیت بازیگر از تعرض به حقوق مشروعش است.

در این تعریف، می‌توان شاخصه‌های مهم امنیت شامل سطوح، ابعاد، تهدید، موضوع و مرجع امنیت را ملاحظه نمود:

الف. کلمه بازیگر، بیان‌کننده سطح امنیت است؛ از باب مثال امنیت فردی، مصونیت فرد از تعرض و تجاوز به حقوق مشروعش است.

ب. همچنین مضاف الیه محذوف حقوق، بازگو کننده‌ی ابعاد امنیت است. بر این اساس برای بیان بُعد سیاسی امنیت فردی باید گفت: مصونیت فرد از تعرض و تجاوز به حقوق سیاسی مشروعش.

ج. صفت مقدر تعرض می‌تواند جنس تهدید از جهت سخت، نیمه سخت و نرم بودن و همچنین به‌طور دقیق‌تر، نوع آن را مشخص نماید.

د. حقوق مشروع، بیان‌کننده موضوعات امنیت است. از باب مثال موضوعات امنیت در بُعد سیاسی امنیت فردی می‌تواند حق انتخاب آزاد، حق شرکت در تشکلات سیاسی، حق انتخاب شدن و ... باشد. هـ مهم‌ترین حق مشروع نیز همان مرجع امنیت است.

#### امنیت ملی

سطوح امنیت محل رخداد امنیت یا ناامنی است و در مطالعات امنیت، پنج سطح می‌توان تصور نمود: سطح فردی، گروهی، ملی، منطقه‌ای و جهانی؛ تقریباً شبیه تقسیم‌بندی بوزان و همکارانش<sup>۲</sup> (۱۹۹۸: ۵-۶) است. تحلیل منطقی این تقسیم‌بندی بدین نحو است که این محل رخداد، یا یک انسان است که سطح امنیت فردی نام دارد؛ یا مجموعه‌ای از انسان‌هاست. این مجموعه‌ی انسانی یا محدود به مرز جغرافیایی خاصی است یا این محدودیت را ندارد. در حالت اول اگر تعامل این جمع با یکدیگر در ارتباط با مسائل حاکمیتی باشد، سطح امنیت ملی و اگر خارج از این مسائل قرار گیرد، سطح گروهی خواهد بود. در حالتی که این مجموعه‌ی انسانی، محدود به مرزهای جغرافیایی نباشد، محل فعالیتشان یا فراگیر و جهانی است که سطح جهانی نامیده می‌شود یا این که محدود به منطقه یا حوزه‌ای خاص است که سطح امنیت منطقه‌ای است. نتیجه اینکه سطح ملی شامل مجموعه انسان‌هایی (ملت) است که در یک مرز جغرافیایی مشخص زندگی می‌کنند و تعامل آنها با یکدیگر در ارتباط با مسائل حاکمیتی است و طبق تعریف پیشنهادی، امنیت ملی وضعیتی است در بردارنده مصونیت یک ملت از تهدید به حقوق مشروعش.

1. McSweeney

2. Buzan et al

### مرجع امنیت ملی

مرجع را جای بازگشتن، جای برگشت، محل رجوع و بازگشت‌گاه معنا کرده‌اند. شاید نزدیک‌ترین اصطلاح به آن مآب باشد که بعضاً در ادبیات فارسی به‌طور ترکیب در القاب به‌کار می‌رود (دهخدا، ۱۹۶۲، ذیل لغات مآب و مرجع)؛ بر این اساس می‌توان مرجع امنیت را کسی یا چیزی دانست که امنیت به سوی آن بازگشت می‌کند.

در تعریف امنیت ملی، منظور از حقوق مشروع ملت، حقوق افرادی است که در یک سرزمین مشخص و تحت یک حکومت هستند. اگر این حقوق ملی موجودیت‌شان در معرض تهدید انگاشته شود و دعوی مشروعی برای بقاء داشته باشند (بازن و همکاران، ۱۹۹۸: ۳۶)؛ موضوعات امنیت نامیده می‌شوند. از بین این موضوعات، آن که دارای اولویت بیشتری باشد؛ به‌نحوی که فقدان یا ضعفش بیشترین ضربه را به بقاء یا کارآمدی یک ملت وارد نماید، مرجع امنیت ملی نامیده می‌شود.

### چارچوب نظری

#### جایگاه فقه در معارف بشری

فقه را در لغت به مطلق فهم یا فهم دقیق تعریف کرده‌اند (مصطفوی، ۲۰۱۰، ۹: ۱۳۵) و در اصطلاح عبارت از علم به احکام فرعی شریعت از روی منابع و دلایل تفصیلی آن است (صاحب معالم: ۲۶). معارف بشری را می‌توان ذیل دو عنوان کلی لحاظ کرد: ۱. علوم توصیفی؛ ۲. علوم هنجاری (اعرافی، ۲۰۱۸: جلسه ۳). نوع اول این معارف را می‌توان در ذیل سه دسته منحصر کرد: ۱. خدا شناسی؛ ۲. انسان شناسی و ۳. جهان‌شناسی. موضوع نوع دوم، رفتار اختیاری انسان است و در آن، صحت از تجویز دستورالعمل‌هایی برای دستیابی به زندگی بهتر است. این احکام از جهت منشأ صدورش یا احکام شرعی است که از طرف خداوند نازل گردیده یا احکام عرفی است که از طرف انسان‌ها مطرح گردیده است. مجموع احکام شرعی را شریعت الهی گویند و فقه، راه رسیدن و کشف این شریعت است؛ لذا موضوع فقه تمام افعال اختیاری انسان، اعم از جوارحی و جوانحی است (اعرافی، ۲۰۰۸: ۹) و به عبارتی تمام علوم رفتاری اعم از اخلاق (مطهری، ۱۹۹۳، ۲۰: ۱۲۳)، حقوق (هادوی تهرانی، ۲۰۰۶: ۳۹۱)، سیاست، اقتصاد و... (مطهری، ۱۹۹۳، ۱۵: ۵۰۵؛ ۴: ۴۶۶) در صورتی که پژوهشگر این علوم درصدد استخراج احکام شرعی مرتبط با آنها باشد، ذیل دانش فقه قرار می‌گیرند.

#### معیار فقهی بودن یک کلام

هنگامی که قرار است اندیشه فقهی اندیشمندی مورد بررسی قرار گیرد، این سؤال به ذهن خطور می‌کند که معیار فقهی بودن یک کلام چیست تا در پژوهش، مورد تحلیل و تدقیق قرار گیرد و به عبارتی در تنوع سخنان فقهای امامیه، کدامیک از عبارات ایشان ذیل عنوان فقه قرار می‌گیرد تا منبع مطالعه قرار گیرد. یکی از معیارهای محتمل می‌تواند کتاب‌های فقهی (اعم از کتب استدلالی و رساله توضیح المسائل) و محتویات دروس خارج فقه باشد. به نظر می‌رسد این معیار با چالش مواجه است. گفته شد که فقه علمی

است که شامل تمام باید و نبایدها می‌شود (اعرافی، ۱۹۹۸: جلسه ۴). این باید و نبایدهای فقهی یا از جمله احکام تکلیفی است یا وضعی؛ لذا معیار فقهی بودن یک سخن این است که بیان‌کننده چنین بایدها و نبایدهای شرعی، کلام خود را ذیل یکی از احکام مذکور مطرح نماید؛ حال این سخن یا در کتاب فقهی باشد یا موضوعی دیگر؛ یا حتی در ذیل یک سخنرانی یا نامه. براساس این معیار، اگر در کلام اندیشمندی، تکالیف خمس یا احکام وضعی در زمینه‌های مختلف مطرح گردید، بیانگر اندیشه فقهی آن اندیشمند خواهد بود.

### تقسیمات حقوق محور امنیت

گفته شد که مرجع امنیت ملی، مهم‌ترین حق یک ملت است؛ لذا محور تقسیم‌بندی در این مقاله، حقوق ملت خواهد بود و می‌گوییم که این حقوق یا ذاتی‌اند یا عرضی. منظور از حقوق ذاتی، امتیازات، ظرفیت‌ها و عناصری است که مربوط و ملحق و متصل به یک ملت است؛ مانند ایمان و باورهای ملی و مراد از حقوق عرضی، امکانات و ظرفیت‌های پیرامون ملت و البته متعلق به آن است؛ مانند عدالت یا آزادی‌های سیاسی.

آن دسته از حقوق ذاتی ملت که متعلق به لایه‌های درونی انسان است را حقوق بنیادین می‌نامیم که با نگاه سطحی و ظاهری قابل بررسی و تحلیل نیستند و آن دسته از حقوق ذاتی که متعلق به لایه‌های بیرونی بوده را حقوق ذاتی روبنایی می‌گوییم. ساختار نظام‌های سیاسی و همچنین ساحت رفتار ملت، دربردارنده حقوق روبنایی هستند.

براساس آنچه گفته شد، در این نوشتار مهم‌ترین موضوعات امنیت ملی در سه قسمت حقوق بنیادین، حقوق روبنایی و حقوق عرضی ملت، در اندیشه فقهی امام خمینی (ره) مطرح می‌شود و در پایان و بر اساس معیارهایی نظیر تصریح بر اهم بودن، میزان و مقدار تأکید، بیان میزان حساسیت دشمنان بر یک موضوع خاص و ...، مهم‌ترین آنها (مرجع امنیت ملی) معرفی می‌گردد.

### حقوق بنیادین ملت

حقوق بنیادین مربوط به لایه‌های زیرین ملت‌ها و به عبارت دقیق‌تر مبادی رفتار اختیاری آنهاست (مصباح یزدی، ۲۰۱۲، ب، ۲: ۲۸). این مبادی خود شامل دو قسمت کلی به نام بینش‌ها و گرایش‌هاست (مطهری، ۱۹۹۳، ۲: ۱۸ و ۲۲).

بینش، همان شناخت انسان از حقایق هستی است؛ اعم از حقایق تکوینی و تشریحی؛ به همین خاطر هم شامل آگاهی از هست و نیست‌ها (جهان‌بینی) می‌شود و هم باید و نبایدها. در اینجا آگاهی‌های ملت، تحت عنوان بینش و بصیرت مطرح می‌گردد و جهان‌بینی و قوانین و دستورالعمل‌های حاکم بر نظام سیاسی، تحت عنوان ایدئولوژی (در معنای عام) بررسی می‌شود. گرایش‌های ملی، خواسته‌ها و تمایلات یک ملت نسبت به موجودات و پدیده‌هاست؛ لذا در این قسمت، سه موضوع بینش و بصیرت، گرایش‌های ملی و ایدئولوژی نظام سیاسی از منظر امام خمینی (ره) مورد بررسی قرار می‌گیرد.

### بینش و بصیرت

بصیرت را در اصطلاح، شناخت روشن و یقینی از دین، تکلیف و ...، تعریف کرده‌اند (محدثی، ۲۰۰۲: ۲۵۵). قطعاً مهم‌ترین شناخت یک ملت مسلمان، باید معرفت به اسلام باشد. اسلام دین بدون نقصی است و اغلب کسانی که آموزه‌های اسلامی را کنار می‌نهند، شناخت صحیحی از اسلام ندارند (خمینی، ۱۹۹۹، ۶: ۲۷۴) و این می‌تواند بر اثر تبلیغ بد یا رفتار غیرصحيح دین‌داران صورت گیرد؛ لذا علمای اسلام و مبلغین دین در این زمینه وظیفه‌ای سنگین بر عهده دارند (خمینی، ۱۹۹۹، ۱۸: ۳۶۴).

یکی از معارف ضروری برای هر ملت، آگاهی به تاریخ و فرهنگ گذشته خود است؛ چرا که نبود آن، از علل تحقیرشدن ملت‌هاست. ملتی که سابقه پرافتخار خود را می‌بیند، خود را سر سپرده استعمارگران نمی‌کند؛ به همین خاطر دشمنان می‌خواهند این شناخت و احساس غرور حاصل آن را مخدوش نمایند. امام خمینی(ره) مشکل جامعه اسلامی را این می‌داند که عظمت گذشته را فراموش کرده و لازمه آن، گم کردن خود و فریفته شدن به غرب است؛ لذا از نگاه ایشان کسب این معرفت، یک تکلیف است (خمینی، ۱۹۹۹، ۱۰: ۳۸۵).

یکی از عناصر مهم در بصیرت ملی، هوشیاری در مواجهه با تهدیدات بیرونی و آسیب‌های داخلی است. امام خمینی(ره) بعد از اتمام جنگ تحمیلی این مطلب را گوشزد می‌کند که زمان جنگ نظامی و صلح فرقی ندارد؛ دشمن، دشمنی می‌کند و باید هوشیار بود (خمینی، ۱۹۹۹، ۲۱: ۱۹۴).

### گرایش‌های ملی

این گرایش‌ها در اصل اموری فردی و متعلق به روح انسان هستند ولی یک جامعه را می‌توان در حکم یک موجود حقیقی لحاظ نمود که مؤلفه و خصلت‌هایی مخصوص خود داشته باشد (مطهری، ۱۹۹۳، ۳۳۷). یکی از این مؤلفه‌ها، کشش‌هایی است که در روح جمعی آن جامعه وجود دارد و بر اساس میزان نفوذ و رسوخ آن، می‌توان به ترتیب سه دسته ایمان، خلیات و احساسات را برای آن تصور نمود (موسوی، ۲۰۲۰: ۱۰۰).

**ایمان و باور ملی:** ایمان تصدیق قلبی است؛ برخلاف اسلام که صرفاً تصدیق زبانی است (مجلسی، ۱۹۸۲: ۲۰۸). ایمان و باورهای صحیح، از حقوق یک ملت به‌شمار می‌رود که باید آن را از شرّ دسیسه‌های شیطانی حفظ کرد و غیر از همت تک تک افراد جامعه، بهترین بازیگر برای حفظ این موضوع، نظام سیاسی کشور است. امام خمینی(ره) بر اساس همین مسئله، وجود حکومت اسلامی را ضروری می‌داند تا در پرتو آن ایمان مردم حفظ گردد (خمینی، ۲۰۰۹: ۱۵۳).

امام امت فداکاری‌ها در جبهه‌ها و کمک‌های پشت جبهه را به خاطر ایمان به مبدأ و معاد و اسلام می‌داند (خمینی، ۲۰۰۸: ۲۹) و معتقد است در ادامه راه و برای شکستن امواج طوفان و فتنه‌ها باید متکی به ایمان بود (خمینی، ۱۹۹۹، ۲۱: ۱۹۵)؛ لذا قطعاً مورد تهدید واقع خواهد شد و حفظ آن یک تکلیف است (خمینی، ۱۹۹۹، ۲۰: ۴۹۶).

یکی از مصادیق ایمان ملی، خودباوری است که هم دشمن بیرونی دارد و هم داخلی (خمینی، ۲۰۰۹ ب: ۱۹). از آنجا که تخریب خودباوری، تهدیدی نرم است، فرماندهان و سربازان خط مقدم نیز باید نیروهای فرهنگی، از جمله رسانه‌ها، باشند که باید ایمان به توانایی داخلی را در ملت تقویت نمایند (خمینی، ۲۰۰۰، ۱۳: ۵۳۷).

**خلقیات ملی:** خلقیات را ملکه‌ای در وجود انسان (خمینی، ۲۰۰۷: ۱۷۴) گویند که با آن افعال با سهولت و بی‌تکلف صورت می‌گیرد (ازدی، ۲۰۰۹: ۴۱۸). در دیدگاه امام خمینی (ره)، کسب فضایل اخلاقی بر یک ملت لازم است. ایشان در بحبوحه تلاش‌های اول انقلاب، خطاب به روحانیون می‌فرماید که الآن هم، علم و تهذیب نفس و اخلاق حرف اول را می‌زند و همه ملت باید متصف به خلقیات نیکو شوند (خمینی، ۱۹۹۹، ۶: ۲۸۷).

یکی از فضایل اخلاقی، اراده استوار ملت‌هاست. ملتی با چنین سجه‌ای، قدرت دارد که تمام توطئه‌های خطرناک دشمنان را خنثی نماید (خمینی، ۱۹۹۹، ۱۲: ۱۰۷)؛ همچنان که در تمام فراز و نشیب‌های حرکت به سمت اهداف متعالی، همین ویژگی به کمک ملت خواهد آمد (خمینی، ۱۹۹۹، ۲۱: ۵۲). یکی دیگر از این خصلت‌ها، شجاعت است که از عوامل پیروزی ملت ایران بر دشمنان بود (خمینی، ۲۰۰۰، ۱۸: ۱۴۴) و امام آن را برای ادامه مسیر ملت نیز لازم می‌داند (خمینی، ۱۹۹۹، ۲۱: ۵۱).

**احساسات ملی:** احساسات ملی، اثرات بسیار زیادی بر کنش‌های یک ملت دارد. از نظر امام خمینی (ره) این احساسات، از جمله حس استقلال‌خواهی، دارای ارزش فراوان و از اوصاف دینداران واقعی است (خمینی، ۲۰۱۰ ب: ۱۰)؛ لذا باید از دست تهدیدات خارجی و آفت‌هایی مانند بی‌بصیرتی یا ایمان ناقص مصون بماند که نمونه منفی آن، مجاهدین خلق یا منافقین بودند (خمینی، ۱۹۹۹، ۱۷: ۳۹۴).

یکی دیگر از احساسات ملی، احساس آرامش روحی است که امام خمینی (ره) ایجاد و حفظ آن را از تکالیف مسئولین کشور می‌داند (خمینی، ۱۹۹۹، ۱۷: ۱۴۲) و رعایت آن، نقش بسزایی در همراهی مردم با اسلام و نظام اسلامی خواهد داشت؛ از این رو امام وقتی متوجه اشتباه کمیته اصناف در طرح مجازات گران فروشان قبل از انقلاب می‌شوند، بر اساس قاعده فقهی جبّ و حدیث نبوی *الاسلامُ یَجِبُ ما قَبْلَهُ* (ابن اثیر، ۱۹۸۸: ۲۳۴)، از مسئولین درخواست رفتار آرامش بخش برای ملت می‌نماید (خمینی، ۱۹۹۹، ۱۹: ۴۴). همین اهمیت باعث می‌شود که امام، پشت پرده ماجرای بنی صدر و اطرافیانش را قریب یک سال مکتوم نگه دارد؛ البته هنگامی که ادامه آن روند، اساس نظام اسلامی را به خطر می‌انداخت، ناچار به بیان می‌شود (خمینی، ۱۹۹۹، ۱۴: ۴۷۴).

### ایدئولوژی نظام

ایدئولوژی عبارت است از دسته‌ای از آرای کلی و هماهنگ درباره رفتارهای انسان؛ لذا ایدئولوژی هر دین، احکام عملی خواهد بود (مصباح یزدی، ۲۰۱۰: ۱۴) و ایدئولوژی یک نظام سیاسی شامل احکام اجتماعی مرتبط با اداره یک کشور است. آنچه بیان شد، مفهومی خاص از ایدئولوژی بود و در مفهوم عام آن که در

اینجا همین معنا منظور است، شامل جهان بینی هم می شود (موسوی، ۲۰۲۰: ۱۵۶). از آنجا که نظام سیاسی ایران بر دو پایه اسلامیت و جمهوریت محقق شده است، بحث مربوط به ایدئولوژی در دو قسمت صورت می گیرد:

**اسلامیت نظام:** در طول پنج قرن از صفویه تا پیروزی انقلاب اسلامی، اندیشه غالب بر ملت ایران اسلام (تشیع) بود؛ برخلاف تفکر و سیاست و عملکرد حاکم بر نظام های سیاسی آن که در بیشتر موارد فقط اسمی از دین و مذهب برده می شد. با پیروزی انقلاب، اسلام مبنای اصلی نظام حاکم و قوانین و مقررات آن نیز شد (قانون اساسی ج.ا.ا، اصل چهارم).

بعد از فوت آیت الله بروجردی، رژیم شاهنشاهی احساس کرد که فضای یک سری اصلاحات که عمدتاً خواسته آمریکا بود، فراهم شده است. در این میان نقش امام خمینی (ره) بسیار چشمگیر بود. ایشان در مخالفت با تصویب نامه انجمن های ایالتی و ولایتی و همچنین انقلاب سفید، گرچه بیشتر بر خدشه دار گشتن استقلال کشور تأکید نمودند، اما برخی ایرادات محتوایی این مصوبات و تنافی آنها با دیدگاه اسلام را به وضوح بیان می کردند (خمینی، ۱۹۹۹، ۱: ۸۷).

یکی از شیوه های مقابله با اسلام، تحریف حقیقت آن و ایجاد انگاره ای غیر واقعی از آن است که باعث نابودی یا تضعیف اثرات سازنده آن می شود. امام خمینی (ره) ضمن هشدار نسبت به این امر، بر همه مخصوصاً جوانان تحصیل کرده تکلیف می کند که در معرفی اسلام ناب که نمونه اعلاهی آن در حکومت نبوی و علوی مشهود بود، همت گمارند (خمینی، ۱۹۹۹، ۲: ۲۸۳).

**جمهوریت نظام:** کلمه ای است عربی و به معنای مُعْظَم هر چیز است (ابن سیده، ۲۰۰۰: ۴۷۰). جمهوری در عرف سیاسی به حکومت دموکراتیک یا غیر دموکراتیکی گفته می شود که زمامدار آن توسط رأی مستقیم یا غیرمستقیم مردم انتخاب شده و توارث در آن دخالتی ندارد (آقابخشی و افشاری راد، ۲۰۱۰: ۲۹۱).

در اندیشه فقهی امام خمینی (ره) حق ولایت و سرپرستی جامعه بر عهده معصومین علیهم السلام است و در عصر غیبت این مسئولیت بر عهده ولی فقیه جامع الشرایط است؛ لذا مردم حق ولایت و وضع قانون ندارند و این حق منحصر در اولیای مأذون از طرف پروردگار است. حق و نقش مردم، تحقق بخشیدن به نظام سیاسی است؛ به عبارت دیگر اگر مردم نخواهند، حکومت اسلامی تشکیل نخواهد شد و ولی فقیه با اکراه و اجبار مردم نمی تواند حکومت تشکیل دهد (خمینی، ۱۹۹۹، ۲۰: ۴۵۹).

از دیدگاه امام خمینی (ره)، مسئله جمهوریت نظام که معادل بیعت در صدر اسلام است، هم شرعی است و هم عقلی (خمینی، ۱۹۹۹، ۴: ۴۹۳-۴۹۵). ایشان در آستانه پیروزی انقلاب اسلامی، تأکید فراوان بر تشکیل نظامی اسلامی مبتنی بر آراء مردم داشتند و از همان زمان، بر ترکیب جمهوریت و اسلامیت تأکید فراوان داشته و نظام مدنظرشان را جمهوری اسلامی؛ نه یک کلمه بیشتر و نه کمتر معرفی می کند (خمینی، ۱۹۹۹، ۶: ۳۲۴).



### جمع‌بندی

سؤالی که مطرح است این که از بین موضوعات مذکور در حقوق بنیادین ملی، کدامیک اهمیت بیشتری دارد تا مرجع امنیت ملی در حیطه حقوق بنیادین باشد؟ بررسی این مسئله را در چند نکته پیگیری می‌کنیم:

۱. از میان دو موضوع اول، بینش و معرفت ملی، یک حالت مقدمی و پایه نسبت به سه قسم گرایش‌ها دارد؛ لکن حداقل نسبت به ایمان و باور، فقط مقدمه است و این دلیل مقدم بودن بر آن نیست. ایمان صحیح برآیند آگاهی‌های مفید و هدف‌آنهاست و ملاک اولیه تفکیک حق و باطل (بقره: ۲۵۷). از مطالب فوق، اهم بودن ایمان نسبت به موضوعات دیگر قابل استفاده است. در عبارات امام خمینی(ره) نیز این کلید واژه در قالب کلمات ایمان و اسلام، بیش از موارد دیگر به چشم می‌خورد؛ آنجا که علت دشمنی و کینه دشمنان (خمینی، ۱۹۹۹، ۷: ۱۶۰)، عامل پیروزی بر دشمنان (خمینی، ۱۹۹۹، ۷: ۶۲) و راه حل اساسی برای حل مشکلات (خمینی، ۱۹۹۹، ۷: ۱۲۵) را همین ایمان ملت می‌داند.

۲. در رابطه با ایدئولوژی نظام سیاسی ایران و مسئله اولویت بین اسلامیت و جمهوریت، این نکته را باید در نظر داشت که نگاه امام به جمهوریت نظام یک نگاه ابزاری است و هدف نهایی را اسلامی نمودن حکومت و ملت می‌داند و جمهوریت، با همه اهمیتش، راه رسیدن به آن است (خمینی، ۱۹۹۹، ۸: ۱۲۴).

۳. در نسبت بین باورهای ملی و اسلامیت نظام سیاسی، گرچه ممکن ایمان و باور انسان‌ها در هدفی بالاتر باشد ولی در بسیاری از موارد، بقای آن با در خطر بودن اصل اسلام در معرض تهدید قرار می‌گیرد؛ توضیح اینکه با انحراف یک حکومت از ارزش‌های اسلامی‌اش، انتظار تحقق ایمانی راستین در مردم دشوار خواهد بود. شاید به همین خاطر موضوع حفظ اسلام را در عبارات امام خمینی(ره) بسیار مشاهده می‌کنیم.

با توجه به مطالب گفته شده در این قسمت، مخصوصاً نکات مطرح در جمع‌بندی، می‌توان مرجع امنیت در حقوق بنیادین ملی را اسلامیت نظام سیاسی دانست.

### حقوق روبنایی ملت

حقوق روبنایی، هم شامل موضوعات مرتبط با ساختار نظام اجتماعی و سیاسی می‌شود و هم موارد درگیر با رفتار و عملکرد مردم و مسئولین را در بر می‌گیرد. این موضوعات می‌تواند شامل موارد فراوانی باشد که در اینجا به سه مورد اشاره می‌شود و در پایان درباره اولویت بین آنها صحبت خواهد شد. از این موضوعات، مورد اول مربوط به رفتار و عملکرد و دو مورد آخر مرتبط با ساختار است.

### سبک زندگی ملی

هر ملتی بر اساس اعتقادات و آموزه‌های سنتی و دینی خود دارای آداب و رسوم رفتاری معین است. پذیرش سبک زندگی بیگانه، می‌تواند آرمان‌ها و ایدئولوژی ملت و همچنین هویتش را دچار خدشه

بیشتری نماید. امام خمینی(ره)، رعایت ارزش‌های انسانی که نمونه روشن آن سبک زندگی اسلامی است را به جوانان توصیه اکید می‌کند؛ به نحوی که با وجود رنج و زحمت نیز سراغ سبک زندگی غربی نروند (خمینی، ۱۹۹۹، ۲۱: ۴۱۷).

آموزه‌های دین که در قالب تکالیف بیان شده است، قطعاً سختی‌هایی خواهد داشت. عمل کردن به این تکالیف باعث حفظ ارزش‌های عمیقی خواهد شد و جلوی نفوذ ارزش‌های بیگانه را خواهد گرفت. امام خمینی(ره) با طرح مسئله حجاب به‌عنوان یکی از این تکالیف، به همین حقیقت اشاره می‌کند و به ملت نسبت به نفوذ ارزش‌های استعماری هشدار می‌دهد (خمینی، ۱۹۹۹، ۱۹: ۱۸۵).

یکی از رفتارهای مهم در سبک زندگی ایرانی-اسلامی، رفتار متحذانه است که از کلید واژه‌های مهم در سخنان امام خمینی(ره) نیز هست. ایشان با استناد به آیه ۱۰۳ سوره آل عمران، حرکت در خلاف همبستگی را حرام می‌داند:

اسلام دستور داده است و فرموده است: وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا؛ همه با هم ... همه باید پیش برویم. تخلف از این دستور الهی جرم است، گناه است (خمینی، ۱۹۹۹، ۷: ۹۹).

### جمعیت و منابع انسانی

جمعیت متناسب و توانا یکی از مؤلفه‌های مثبت در یک کشور است که می‌تواند آثار فراوانی به دنبال داشته باشد. ضربه به مسئله جمعیت یک کشور، توسط دشمنان، یا با کاهش آن جمعیت صورت می‌گیرد یا با نابودی استعدادها آنها. کاهش جمعیت در یک ملت می‌تواند طرق مختلف داشته باشد؛ مانند نسل کشی در جنگ‌های نظامی، شیوع بیماری‌های واگیر و قحطی (مجد: ۲۰۱۵)، برنامه‌های به ظاهر متمدنانه ولی در واقع استعماری؛ مثل برنامه کنترل جمعیت که دشمنان ملت‌ها این اقدامات را انجام می‌دهند و نسل بشریت را به خطر می‌اندازند.

بی‌اثر نمودن توانایی انسان‌ها، از دیگر اقدامات دشمنان یک ملت است. دشمن هر مقدار از این استعدادها را بتواند در اختیار می‌گیرد و دیگر موارد را سعی می‌کند با تهدید فرهنگی هدر داده و به نابودی بکشاند؛ به طوری که برای کشور هدف یک عامل بی‌فایده و حتی مضر باشند (خمینی، ۱۹۹۹، ۵: ۲۶۳).

### ثبات کشور

ثبات کشور یعنی پایداری و دوام ساختار و سیاست‌های کلان آن و بدون آن نه تنها مجالی برای شکوفایی بسیاری از استعدادها باقی نمی‌ماند، رشد و پیشرفت، سرمایه‌گذاری و ... نیز تأثیر بسیار منفی می‌پذیرد (موتقی و کرمزادی، ۲۰۱۱: ۳۳۸). معمولاً در عبارات امام خمینی(ره)، ثبات در کنار قرار استقرار، دوام و استقامت به کار رفته است (خمینی، ۲۰۰۹ ج: ۱۲۱ و موارد فراوان دیگر).

ثبات یک جامعه به معنای بقای نظام‌های آن جامعه است. قبلاً هنگامی در فقه صحبت از حفظ نظام می‌شد، بیشتر معنای عام آن مد نظر بود که به حفظ نظام عام اجتماعی (ثبات اجتماعی) شهره یافته است،

ولی اصطلاح حفظ نظام سیاسی (ثبات سیاسی) نیز اخیراً رواج پیدا کرده است؛ لذا بحث در دو قسمت ثبات اجتماعی و ثبات سیاسی پیگیری می‌شود.

### ثبات اجتماعی

حفظ نظام عام اجتماعی در تفکر فقهی امام خمینی(ره) دارای جایگاه مهمی است. ایشان با استفاده از صحیح‌ه محمد بن مسلم (شیخ طوسی، ۱۹۸۶: ۳۱۹) و در بیان ضرورت تشکیل حکومت اسلامی، هدف تعیین حاکمان توسط اهل بیت علیهم السلام را حفظ نظام بلاد اسلامی (خمینی، ۲۰۰۹: ۴، ۶۲۰) و آن را یکی از واجبات شرعی و عقلی می‌داند (خمینی، ۲۰۰۹: ۱۱، ۴۹۴). امام در قضیه احکام ثانوی و احتیاج مجلس شورای اسلامی به تصویب قوانین ضروری که با برخی احکام اولیه تعارض دارند، بیان می‌دارد که اخلال و فساد نظام و حفظ آن می‌تواند معیار وضع قوانینی موقتی در این زمینه باشد (خمینی، ۱۹۹۹: ۱۵: ۲۹۷).

### ثبات سیاسی

زمانی که یک نظام سیاسی بتواند به رغم فراز و فرودهای سیاسی، شاکله‌ی اصلی خود را حفظ کند و دچار دگرگونی‌های بنیادی و فروپاشی نشود، ثبات سیاسی بر این نظام حکم فرماست (مظاهری، ۲۰۱۲). برای فهم بهتر اندیشه فقهی امام خمینی(ره) در این مسئله، بهتر است رفتار سیاسی ایشان در دو مقطع قبل و بعد از انقلاب بررسی شود.

**دوره قبل از انقلاب:** امام نیز مانند دیگر فقهای شیعه، حکومت‌های طاغوتی عصر غیبت را مشروع نمی‌داند (خمینی، ۲۰۰۹: ۲، ۶۲۳ و ۶۲۴)؛ ولی بدون زمینه‌چینی نیز دست به مقابله با نظام سیاسی نمی‌زند؛ چرا که نظام عام اجتماعی به خطر می‌افتد. از لحن نامه‌های ابتدایی امام به شاه بر می‌آید که قصد امام در آن مقطع، صرفاً اصلاحات است و نه تغییرات عمیق بنیادی در نظام سیاسی. با پافشاری رژیم بر مواضع خود، لحن امام شدیدتر می‌شود؛ البته صرفاً در حد برکناری نخست وزیر. با ادامه اقدامات خلاف اسلام و قانون اساسی و ورود مستقیم شاه در ماجرای انقلاب سفید، لحن امام تندتر و کنایات تهدید آمیز بیشتر می‌شود (خمینی، ۱۹۹۹: ۱، ۷۸-۴۱۵). به نظر می‌رسد اولین تهدید امام نسبت به اصل نظام سیاسی شاه و هشدار نسبت به سرنگونی آن، مربوط به حدود دو هفته قبل از عاشورای ۴۲ و قیام ۱۵ خرداد است (خمینی، ۱۹۹۹: ۱، ۲۳۱).

مخالفت‌های امام با نظام حاکم، بسته به شرایط (حضور مردم در صحنه)، دارای فراز و نشیب‌هایی است و هنگامی که با قیام ۱۹ دی و حضور جدی مردم، امکان ایجاد نظامی جایگزین را فراهم می‌بیند، تهدیدات ساختار شکنانه را به صورت واضح مطرح می‌کند (خمینی، ۱۹۹۹: ۳، ۳۰۸-۳۱۰). ایشان در پاسخ برخی دولتمردان و رسانه‌ها که حضور شاه و بقای نظام سیاسی را باعث ثبات در ایران و منطقه می‌پندارند، هر دو را عامل بی‌ثباتی می‌داند (خمینی، ۱۹۹۹: ۴، ۵۰۵: ۵، ۶۸).

**دوره بعد از انقلاب:** با پیروزی انقلاب، یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های امام، ثبات کشور و در رأس آن حفظ نظام اسلامی است که با تعابیر مختلفی به آن اشاره و تأکید می‌نماید؛ مانند سخت‌تر بودن حفظ نظام نسبت به تشکیل آن (خمینی، ۱۹۹۹، ۱۸: ۲۸۱)، بالاترین فریضه الهی (خمینی، ۱۹۹۹، ۱۵: ۳۲۹)، از اهم واجبات عقلی و شرعی بودن حفظ نظام (خمینی، ۱۹۹۹، ۱۹: ۱۵۳) و عدم مزاحمت هیچ حکمی با حفظ نظام (خمینی، ۱۹۹۹، ۱۹: ۱۵۵). از دید فقهی امام، اهمیت حفظ نظام اسلامی به حدی است که برای نیل بدان، اگر لازم باشد باید انسان‌های زیادی فدا شوند؛ هرچند آن انسان‌ها از بهترین فقها و دانشمندان کشور باشند (خمینی، ۱۹۹۹، ۱۶: ۴۶۵).

### جمع‌بندی

از بین سه موضوع مذکور، با وجود اهمیت همه آنها، به نظر می‌رسد که ثبات کشور یا حفظ نظام، که در ابواب مختلف کتب فقهی امام خمینی (ره) مطرح گردیده، مهم‌ترین موضوع در دیدگاه فقهی ایشان است. بعد از پیروزی انقلاب، موضوع حفظ نظام سیاسی نیز بسیار مورد توجه امام قرار می‌گیرد و از بالاترین اولویت‌ها برخوردار می‌گردد؛ به طوری که آن را در کنار حفظ استقلال و تمامیت ارضی کشور، بالاترین فریضه می‌داند (خمینی، ۱۹۹۹، ۱۶: ۴۶۵). از نظر ایشان، وجوب حفظ نظام جمهوری اسلامی هم عقلی و هم شرعی است و موضوع تراحم بین آن و دیگر موارد مهم، اصلاً متصور نمی‌شود (خمینی، ۱۹۹۹، ۱۹: ۱۵۳).

### حقوق عرضی ملت

حقوق عرضی ملی، شامل امکانات، شرایط و فضاهای مادی و معنوی پیرامونی یک ملت می‌شود. در این قسمت، مهم‌ترین موضوعات از بین این حقوق، انتخاب و در آخر به بررسی مهم‌ترین آن به‌عنوان مرجع امنیت از نگاه امام خمینی (ره) پرداخته خواهد شد.

### ثروت ملی

آنچه در رابطه با ثروت ملی اهمیت دارد، اولاً ایجاد و ثانیاً محافظت از آن در برابر تهدیدها و آسیب‌های پیش رو است. دولت، بیشترین وظیفه را در قبال این دو امر بر عهده دارد؛ گرچه نقش ملت نیز بسیار زیاد است.

صیانت از ثروت کشور اسلامی در مقابل بیگانگان، هم در اندیشه فقهی امام خمینی (ره) و هم سیره عملی ایشان مشهود است. ایشان در دوران رژیم پهلوی بارها به مسئله غارت ثروت و منافع ملی ما توسط استعمارگران غربی، اشاره و آن را محکوم می‌کند (خمینی، ۱۹۹۹، ۱۴: ۸۳). غیر از تهدیدات بیرونی، عوامل داخلی اعم از سوء مدیریت و سوء استفاده‌ها نیز می‌تواند باعث پایمال شدن بیت‌المال شود. امام در جمع مسئولین با قبول اینکه نمی‌توانیم مانند امیرالمؤمنین علیه السلام رفتار نماییم، سفارش و تکلیف می‌کند که سیره آن حضرت در صیانت از بیت‌المال و جلوگیری از هدررفت آن را سرمشق خود قرار دهند (خمینی، ۱۹۹۹، ۱۹: ۳۷۴). اهمیت این مسئله به قدری است که ایشان در پاسخ به استفتای نخست وزیر

وقت که از جواز تأخیر نماز اول وقت در ادارات دولتی به دلیل ضرر به بیت‌المال می‌پرسد، نه تنها فتوای جواز که لزوم را مطرح می‌نماید (خمینی، ۱۹۹۹، ۱۸: ۱۸۵).

### استقلال و هویت ملی

در زبان فارسی نیز چندین معنی برای آن بیان شده است؛ از جمله به خودی خود به کاری برایستادن بی‌شرکت غیر، صاحب اختیاری و آزادی کامل یک کشور بدون اعمال نفوذ خارجی‌ان (معین، ۲۰۰۷: ۱۴۶). این اصطلاح از نظر امام خمینی (ره)، مفهومی توأم با خودیابی و درک توانایی‌های خود دارد و عدم آن متناظر با گم‌کردن خود و رفتن به سمت بیگانه است (خمینی، ۱۹۹۹، ۱۲: ۴).

اصل استقلال ملی از بنیان‌های اسلام است که قوانین آن تصریح دارند که هیچ بیگانه‌ای حق مداخله در امور کشور را ندارد (خمینی، ۱۹۹۹، ۴: ۲۴۲). زندگی بدون استقلال و ذیل سلطه بیگانگان ارزشی ندارد و دستورات اسلام، راه برون رفت از این سلطه‌ها را مشخص نموده است (خمینی، ۱۹۹۹، ۶: ۲۱۹). دفاع از بیضه اسلام یا شرف و استقلال و هویت اسلام و ممالک اسلامی، هم بر دولت‌ها و هم بر ملت‌ها واجب است و اگر ملت‌ها مشاهده کردند که دولتشان در این زمینه کوتاهی یا خیانت می‌کند، باید به مقابله با این اقدامات بپردازند (خمینی، ۲۰۰۵: ۴۸۷).

یکی از مؤلفه‌های استقلال ملی، حفظ تمامیت ارضی کشور است. امام خمینی (ره) در تبیین ضرورت حکومت اسلامی در عصر غیبت، به وجود احکام اجتماعی در آموزه‌های اسلام از جمله مسئله جهاد و دفاع از تمامیت ارضی کشور اشاره می‌کند (خمینی، ۲۰۰۹، ۲۷ و ۷۲) که نه تنها دفاع از آن لازم، بلکه تبعید و اسارت و ناملایمتی‌ها در راستای این هدف گواراست (خمینی، ۱۹۹۹، ۲: ۵۸).

استقلال ملی می‌تواند سیاسی، اقتصادی یا فرهنگی باشد و بر جمیع ملت اسلامی ایران تکلیف است که این حق مسلم خود را در همه ابعاد به دست آورند یا آن را حفظ نمایند (خمینی، ۱۹۹۹، ۴: ۱۵۵).

### آزادی ملی

منظور از آزادی ملی، رهایی یک ملت از استبداد داخلی است و نتیجه‌اش، وجود حق تفکر، ابراز عقیده، اتخاذ تصمیم و آزادی عمل است (خمینی، ۱۹۹۹، ۱۰: ۹۴). آزادی، نعمتی است خدادادی که اسلام به ملت ایران داده (خمینی، ۱۹۹۹، ۴: ۴۰۶) و بازپس‌گیری‌اش از مهم‌ترین دستاوردهای انقلاب اسلامی است (خمینی، ۱۹۹۹، ۱۰: ۴۳۱). از آنجا که آزادی ملت، باعث پایداری و ثبات نظام سیاسی (خمینی، ۱۹۹۹، ۱۵: ۲۶۸) و حضور مردم در صحنه‌های مختلف سبب اقتدار و عزت کشور می‌شود، دشمنان بیرونی به انحاء مختلف درصدد تضعیف یا حداقل تحقیر آن هستند و شاید از همین جهت امام خمینی (ره)، حفظ این نعمت عظیم را تکلیفی بر عهده همگی دانسته است (خمینی، ۱۹۹۹، ۶: ۴۴۶).

آزادی ملی در سه بعد سیاسی، فرهنگی و اقتصادی قابل بررسی است. آزادی سیاسی ملی در اندیشه فقهی امام، می‌تواند شامل حق انتخاب نظام سیاسی (خمینی، ۱۹۹۹، ۶: ۴۴۹) و توییح کسانی که مانع این

حق می‌شوند (خمینی، ۱۹۹۹، ۹: ۳۴۱)، حق تصمیم‌گیری در قوانین ملی (خمینی، ۱۹۹۹، ۸: ۲۴۰)، حق انتخاب مسئولین نظام سیاسی (خمینی، ۱۹۹۹، ۱۵: ۲۶۸) و لزوم تحقق و عملی شدن این حق (خمینی، ۱۹۹۹، ۵: ۵۰۸) باشد. برخی آزادی‌های فرهنگی یک ملت نیز عبارت‌اند از آزادی اندیشه و آزادی بیان (خمینی، ۱۹۹۹، ۱۰: ۱۸۶) و لزوم ایجاد آن از طرف دولت (خمینی، ۱۹۹۹، ۴: ۴۱۱). در بعد اقتصادی نیز می‌توان از حق حضور ملت در طرح‌های اقتصادی و بازسازی به‌عنوان آزادی ملی نام برد (خمینی، ۱۹۹۹، ۶: ۷۵).

### عدالت اجتماعی

یکی از معانی اصطلاحی که برای عدالت گفته شده، اعطاء کل ذی حق حقه؛ یعنی دادن حقوق افراد بر اساس شایستگی‌ها باشد (طباطبایی، ۲۰۱۱: ۳۷۱). عدالت اجتماعی، از نظر امام خمینی(ره)، در مقابل ظلم بوده و تحقق ظاهری قرآن در جامعه است (خمینی، ۱۹۹۹، ۱۷: ۴۳۴).

اهمیت عدالت به حدی است که مهم‌ترین وظیفه انبیا برقراری یک نظام عادلانه اجتماعی بوده است تا در پرتو آن، اهداف عالی و معنوی خلقت انسان محقق گردد. امام خمینی(ره) این مطلب را هم حکم ضروری عقل می‌داند و هم بر اساس آیه پنج سوره مبارکه حدید، این وظیفه را در عصر غیبت بر عهده فقهای راستین می‌داند (خمینی، ۲۰۰۹: ۷۰).

یکی از تهدیدات عدالت، توسط قلم به‌دستان مزدوری صورت می‌گیرد که با بهانه‌هایی مانند مقابله با خشونت و دفاع از رأفت انسانی، به مواجهه با آن می‌پردازند (خمینی، ۱۹۹۹، ۲۱: ۲۹۰). یکی از آسیب‌های آن نیز، سرمایه‌داری ظالمانه و بی‌حساب است که در اندیشه فقهی امام خمینی(ره)، مورد تأیید نیست (خمینی، ۲۰۰۸: ۸۰).

یکی از نتایج عدالت اجتماعی، فراهم شدن رفاه عمومی است. امام خمینی(ره) تأکید می‌کند که پذیرش و اجرای برنامه‌های مالی اسلامی و احکام مرتبط با آن، این امر را محقق خواهد کرد (خمینی، ۱۹۹۹، ۱: ۱۳۷). این مسئله بعد از پیروزی انقلاب و در سیره عملی ایشان نیز کاملاً مشهود است؛ به نحوی که تحقق آن را بر مسئولین مربوطه لازم می‌داند (خمینی، ۱۹۹۹، ۶: ۳۸۱).

### جمع‌بندی

برای رسیدن به مرجع امنیت ملی در حیطة حقوق عرضی، باید اولویت‌ها در بین موضوعات مذکور مورد مطالعه قرار گیرد که این امر در قالب چند نکته صورت می‌گیرد:

۱. صرف سرمایه‌داری و انباشت سرمایه، حتی به‌صورت بیت‌المال، و عدم استفاده از آن در مقاصد والا تر با اهداف اسلامی سازگار نیست. پایین‌ترین هدف در رابطه با آنها، تأمین رفاه عمومی و تأمین عدالت اقتصادی است؛ لذا موضوع عدالت اجتماعی دربرگیرنده آن و مقدم بر آن است. امام خمینی(ره) در بحبوحه مبارزات انقلابی، برنامه حکومت اسلامی را رسیدگی به حال عامه مردم و توزیع ثروت ملی بین عموم و برای رفاه آنها می‌داند (خمینی، ۱۹۹۹، ۴: ۵۰۵).

۲. باید بررسی شود که از بین سه موضوع آزادی، استقلال و عدالت، کدامیک دارای اولویت بیشتر است. استقلال یعنی رهایی یک کشور از تسلط بیگانگان؛ لذا حداقل نوع سیاسی آن، از جهت زمانی مقدم بر عدالت و آزادی است و بدون حصول استقلال و هویت ملی، سخن از آزادی و تحقق عدالت، کاری بیهوده و بی‌سرانجام است. هنگامی که دشمنی خارجی به مملکت نفوذ کرده و تهدید خود را عملی نموده یا درصدد اعمال آن است، آنچه در درجه اول اولویت قرار می‌گیرد، حفظ هویت ملی است. همین نسبت اولویت را در رفتار و عبارات فقهای شیعه و از جمله امام خمینی(ره) نیز می‌توان مشاهده نمود (خمینی، ۱۹۹۹، ۸: ۱۶۹).

نتیجه این که استقلال ملی نسبت به مقوله‌های دیگر در این حیطة تقدم دارد. قبل از پیروزی انقلاب اسلامی، کلید واژه بیانات امام، استقلال و عدم وابستگی به قدرت‌های خارجی است و با پیروزی انقلاب، با اشاره به اینکه ما استقلال سیاسی را به‌دست آورده‌ایم، بر لزوم کسب کامل استقلال اقتصادی و فرهنگی تأکید می‌کند (خمینی، ۱۹۹۹، ۱۸: ۳۴۵).

### نتیجه‌گیری

مباحث مربوط به مهم‌ترین موضوعات امنیتی، به‌عنوان حقوق یک ملت، در سه قسمت مورد بررسی قرار گرفت. بعد از بررسی اولویت‌ها در هر قسمت، به ترتیب موضوعات ۱. اسلامیت نظام سیاسی؛ ۲. ثبات کشور و ۳. استقلال ملی به‌عنوان مهم‌ترین موضوعات انتخاب گردید. بر اساس سخنان و مکتوبات امام خمینی(ره) که برخی از آنها در این مقاله مطرح گردید و اولویت‌ها، تأکیدها، تکرارها و ... که در کلام ایشان هست، می‌توان اندیشه فقهی ایشان در رابطه با مهم‌ترین این موضوعات (مرجع امنیت) را این‌گونه بیان نمود:

۱. به نظر می‌رسد، موضوع نظام اسلامی مقدم بر موضوع استقلال است. موارد زیر که اکثراً با تحلیل عبارات امام خمینی(ره) به دست آمده را می‌تواند به‌عنوان دلایل این مطلب در نظر گرفت:

أ. برای تحقق موضوعاتی مانند استقلال (مخصوصاً اقتصادی و فرهنگی)، عدالت؛ نیروی انسانی و منابع مالی مردم باید ابتدا نظام اسلامی تشکیل داد. نظام‌های غیر اسلامی یا توانایی چنین کاری ندارند یا اینکه مسئولینشان به دنبال منافع خود بوده یا وابسته به بیگانگان هستند.

ب. از منظر امام خمینی(ره)، مبارزه با استعمارگران و غلبه بر آنها (یعنی دستیابی به استقلال) بعد از تشکیل حکومت، مقدر خواهد بود.

ت. دشمنان به دنبال منافع خود هستند و این منافع را از طریق استعمار پیگیری می‌کنند؛ حال هر کس یا مجموعه‌ای (مخصوصاً نظام سیاسی) در مقابل این منفعت طلبی مقاومت کند، دشمن استعمار است و استعمار درصدد نابودی و ضعف آن خواهد بود. این نشان‌دهنده اهمیت نظام سیاسی است؛ اگر یک نظام سیاسی محکم و قوی داشته باشیم یعنی استقلال هم وجود خواهد داشت.

۲. با توجه به مطالبی که در نکته قبلی گفته شد، حفظ نظام اسلامی مقدم بر موضوع استقلال است؛ لذا برای رسیدن به مرجع امنیت، کافی است نسبت بین اسلام و نظام اسلامی بررسی شود تا موضوع مهم‌تر مشخص گردد.

۳. به نظر می‌رسد از بین دو موضوع نامبرده، بیشتر تأکید امام خمینی(ره) بر موضوع اسلام و لزوم حفاظت از آن باشد:

أ. دلیل اول. کثرت تکرار: در عبارات فراوانی از متون فقهی مخصوصاً در کتاب‌هایی مثل جهاد و امر به معروف و ...، موضوع اسلام و اهمیت آن و ضرورت حفظش به تعداد بیشتری نسبت به موضوع دیگر مطرح شده است.

ب. دلیل دوم. در تحلیل بسیاری از احکام در فقه امامیه و در دیدگاه امام خمینی(ره)، مخصوصاً احکام اجتماعی، علت آن را حفظ اسلام گفته‌اند و به عبارتی لزوم حفظ اسلام، کبرای استدالات فقهی قرار می‌گیرد؛ در حالی که این مسئله در موضوع دیگر کمتر دیده شده است.

ت. دلیل سوم. در موارد زیادی شاهد هستیم که امام خمینی(ره) موضوع اسلام را نسبت به موضوعات دیگر از جمله سلامت جسمی، عزت و آبرو، اموال و ثروت ملی و ... اولویت می‌دهند.

۴. وقتی صحبت از اسلام می‌شود، سه حالت می‌توان در مورد آن تصور کرد:

أ. اصل معارف و آموزه‌های اسلام؛ در این حالت، اسلام یک موضوع کاملاً نظری است و برای تقویت و تضعیف و نابودی آن باید صرفاً بحث نظری و منطقی انجام داد و با تهدید نظامی و حتی با تهدید فرهنگی نمی‌توان به آن خدشه وارد کرد؛ چون تهدید نظامی که جان و مال انسان‌ها و ساختارهای نظام‌ها را تهدید می‌کند و تهدید فرهنگی هم بینش و معرفت انسان نسبت به اسلام یا ایمان و اخلاق و احساسات و سبک زندگی آنها را خدشه‌دار می‌کند؛ نه منطلق اسلام را.

قدرت اسلام در این معنای اول، بستگی به استحکام منطق آن دارد؛ هم در معارف و هم در دستورالعمل‌ها و به عبارتی یک بحث کاملاً درونی (فی نفسه) است و عوامل بیرونی روی آن اثرگذار نیست.

از آنجا که اسلام دینی کامل و جامعی است، لذا خدش‌های هم بدان وارد نیست و به عبارتی کمبودی ندارد و به دیگر عبارت، نه در معرض نابودی است و نه در معرض ضعف. خداوند با پشتوانه منطقی که برای آن قرار داده، خود حافظ آن است (انا نحن نزلنا الذکر و انا له لحافظون)؛ پس بحث امنیت و مرجع امنیت و اولویت و تقدم موضوعات در این مورد اصلاً مطرح نمی‌شود.

ب. تبلور معارف و آموزه‌های اسلام در افراد انسان؛ این تبلور بستگی به نوع آن می‌تواند در قالب معرفت، ایمان، اخلاق، احساسات و رفتارهای اسلامی مطرح شود. در این صورت وقتی صحبت از تهدید اسلامی می‌شود، منظور تهدید این مقوله‌هاست که مثلاً ایمان شخصی یا ملی بر اثر تهدیدات نرم یا فشارهای اقتصادی، ضعیف می‌شود یا خیر؟ یا مثلاً حکومت اسلامی (بازیگر امنیتی کننده) باید با ترویج اسلام و مقابله با تبلیغات مسموم کننده بیگانگان باعث شود که ایمان مردم خدشه‌دار نشود.



ت. تبلور معارف و آموزه‌های اسلام در نظام سیاسی؛ بدین معنا که مبانی حکومت، معارف اسلامی باشد و در شکل‌دهی ساختار آنها و وضع قوانین، تا حتی‌الامکان از آن معارف و دستورالعمل‌ها به بهترین نحو استفاده شود. در این حالت اگر صحبت از تهدید اسلام می‌شود، منظور این است که این نظام، مورد خدشه قرار گرفته و در معرض نابودی باشد؛ حال یا با حمله نظامی یا تهدید سیاسی یا فشار اقتصادی و یا تبلیغات فرهنگی.

اگر هنگامی که صحبت از اسلام می‌شود، منظور این حالت باشد، این موضوع عیناً همان موضوع نظام اسلامی است که به‌عنوان مرجع امنیت در حقوق ذاتی روبرویی مطرح گردید.

۵. با توجه به مطلب فوق، باید دید که در عباراتی که از اهمیت اسلام صحبت می‌شود و اینکه حفظ آن در اولویت نسبت به موضوعات دیگر قرار دارد، منظور کدام است. قطعاً مورد اول نیست؛ چون همان‌طور که گفته شد اصلاً قابل نابودی نیست و به عبارتی در خطر نیست. به نظر می‌رسد وقتی منظور از اسلام قرار باشد ایمان و اخلاق و... باشد، اغلب به صراحت گفته می‌شود؛ لذا هنگامی که از امنیت اسلام و تهدیدهای علیه آن و تکلیف بر حفاظت از آن صحبت می‌شود، معمولاً موضوع نظام‌های اجتماعی و سیاسی اسلامی باید در نظر بوده باشد. در تأیید این مطلب، اشاره به موارد زیر خالی از لطف نیست:

أ. در عبارت‌های زیادی از فقهای شیعه و از جمله امام خمینی(ره) که صحبت از هجوم نظامی به سرزمین اسلام و خوف از ضربه به اسلام می‌شود، نمی‌تواند منظور ایمان درونی مسلمانان باشد؛ چرا که با هجوم نظامی نمی‌توان ایمان انسان‌ها را تغییر داد و برای آن باید تهدید نرم صورت گیرد.

شاید گفته شود که منظور این است که با حمله نظامی، ساختار نظام اسلامی درهم شکسته می‌شود و کفار بر مسلمین حاکمیت پیدا می‌کنند و با اقدامات فرهنگی، ایمان مسلمانان را تضعیف می‌کنند. این مطلب تحلیل درستی است، اما آنچه ابتدا مورد تهدید قرار گرفته، نظام اسلامی است، لذا اگر این تحلیل را می‌پذیریم، جا دارد که اصطلاح اسلام در عبارت فقها را بر نظام اسلامی حمل کنیم.

ب. در برخی عبارات فقها، با استناد به آیات شریف قرآن، اسلام قلع و قمع کننده ظلم و استکبار قلمداد شده است. اسلام برای اینکه بر تمام ادیان غلبه کند و برای اینکه دشمن داشته باشد و دشمنان بخواهند آن را تهدید کنند باید در قالب نظام سیاسی جلوه نماید.

ت. در برخی از عبارات امام خمینی(ره)، از اسلام به‌عنوان تنها چیزی که باعث تحقق موضوعاتی مانند آزادی برای انسان‌ها می‌شود، نام برده شده است. در این موارد قطعاً منظور از اسلام، نظام اسلامی است؛ چرا که با ایدئولوژی اسلام که یک مبحث نظری صرف است نمی‌توان آزادی اجتماعی ایجاد کرد.

ث. وقتی در عبارات امام خمینی(ره) از دشمنی تمام‌قد استکبار با اسلام و هویت اسلامی ملت ایران صحبت می‌شود، نمی‌تواند منظور از آن صرف ایدئولوژی اسلام باشد. هویت اسلامی ملت ایران، ایدئولوژی اسلامی است با نگاهی حداکثری و با رویکرد حکومتی؛ برخلاف اسلامی که در برخی مذاهب غیر شیعه ارائه می‌شود؛ لذا دنبال تحقق اجتماعی است و این باعث دشمن تراشی می‌شود. صرف آن

ایدئولوژی تا وقتی داخل قرآن و کتب روایی و دیگر کتابها و مقالات ضبط شده باشد دشمن تراش نیست، اما هنگامی که قرار شد در صحنه اجتماعی، مخصوصاً در عرصه حکومتی، تحقق پیدا کند، سر و کله دشمن هم پیدا می‌شود؛ چون تحقق اجتماعی آن برای دشمن خطرناک است و منافعش را به خطر می‌اندازد.

گفتیم که از بین دو موضوع اسلام و ثبات نظام سیاسی اسلام، مورد اول بیشتر مورد تأکید قرار گرفته است؛ اما با تحلیلی که گذشت و بیان سه حالت متصور برای اسلام، دیدیم که آنچه بیشتر در لسان فقها بر آن تأکید شده، حفظ نظام اسلامی است. لذا می‌توان نظام اسلامی را به‌عنوان مهم‌ترین موضوع امنیت ملی در اندیشه فقهی امام خمینی(ره) و به عبارتی مرجع امنیت به حساب آورد.

## References

- The Holy Quran
- Aghabakhshi, Ali and Afshari Rad, Mino (2010). *The Dictionary of Political Sciences*, Tehran: Chapar. (In Persian)
- Amirkhani, Kaveh (2011). "Security School of Imam Khomeini". *Strategic Studies Quarterly*. Vol. 14, No. 54: 80-104. (In Persian)
- Arafī, Alireza (2018). *Lessons outside the jurisprudence of social relations*. Qom: The Institute of Eshraq and Erfan. (In Persian)
- Azudi, Abdullah Ibn Muhammad (2008). *Ketab-al-maa'*, vol. 2. Tehran: The Institute for Medical History Studies.
- Buzan, B; Waver, O & De Wild, J (1998). *Security: A New Framework for Analysis*. Bulder: Lynne Rienner.
- Dehkhoda, Ali Akbar (1962). *Dehkhoda Dictionary*, Vol. 29. Tehran: Management and Planning Organization. (In Persian)
- Eftekhari, Asghar (2012). *Security*. Tehran: Imam Sadegh University. (In Persian)
- Eftekhari, Asghar (2013). *Societal Security: Islamic Approach*, Tehran: The Institute of Humanities and Cultural Studies. (In Persian)
- Hadavi Tehrani, Mehdi (2006). *An Introduction to Jurisprudential School*. In Ziaiefar, Saeed, *an introduction to Jurisprudential School*. Qom: Research Institute of Islamic Sciences and Culture. (In Persian)
- Hajzadeh, Hadi (2015). "Security reference in Imami jurisprudence and constitutional rights of the Islamic Republic of Iran". Ph.D. Thesis. University of Tehran, Farabi Campus. (In Persian)
- Hajzadeh, Hadi and Lakzaei, Najaf (2014). "Study of Economic Security of individuals in the rules of Imamiye jurisprudence by looking at the security reference". *Economic law*. Vol. 21, No. 6: 1-31. (In Persian)
- Ibn Athir, Mubarak Ibn Muhammad (1988). *Al-nahayat fi gharib al-hadith val-athar*, Vol. 1. Qom: Ismailiyan.

- Ibn Sayyideh, Ali ibn Isma'il (2000). *Al-mohkam val-mohit al-a'zam*, Vol. 4. Beirut: Darul kotob Al-Alamiye.
- Jahanbezorgi, Ahmad (2009). *Security in Political System of Islam* (Principles and Factors). Tehran: The Research center for Islamic culture and thought. (In Persian)
- Karimi Male, Ali; Babaei, Akbar (2011). *National security from Imam Khomeini's point of view*. Tehran: Research Institute for Strategic Studies. (In Persian)
- Kermania, Reza (2016). *Defensive Strategic model based on the defensive thought of Imam Khomeini*. Tehran: National Defensive University. (In Persian)
- Khomeini, Sayyid Ruhollah (1999). *Sahife-ye Imam*, 21 vols. Tehran: The Institute for Organizing and Publishing Works. (In Persian)
- Khomeini, Seyyed Ruhollah (2005). *Tahrir al-Wasilah*, vol. 1. Tehran: The Institute for Organizing and Publishing Works. (In Arabic)
- Khomeini, Seyyed Ruhollah (2006). *Philosophical Reports*, Vol. 3. Tehran: The Institute for Organizing and Publishing Works. (In Persian)
- Khomeini, Seyyed Ruhollah (2008). *Political-divine will*. Tehran: The Institute for Organizing and Publishing Works. (In Persian)
- Khomeini, Seyyed Ruhollah (2009). *Ketabol bei'e*, 5 vols. Tehran: The Institute for Organizing and Publishing Works.
- Khomeini, Seyyed Ruhollah (2009b). *Vilayat-e Faqih*. Tehran: The Institute for Organizing and Publishing Works. (In Persian)
- Khomeini, Seyyed Ruhollah (2009). *Forty Hadiths* (Arbaeen Hadith), Tehran: The Institute for Organizing and Publishing Works. (In Persian)
- Khosravi, Alireza (2012). *Security School of Imam Khomeini*. Tehran. The Mo'aser Abrar Institute. (in Persian)
- Lakzai, Najaf (2019). *Transcendent security*. Qom: Research Institute of Islamic Culture and Sciences. (In Persian)
- Majd, Mohammad Qoli (2015). *The Great Famine*, Mohammad Karimi (Trans.). Tehran: The Institute of Political Studies and Research. (In Persian)
- Majlisi, Muhammad Baqir (1982). *Bihar al-Anwar*, Vol. 50. Beirut: Dar al-ehya al-toras al-arabi.
- Marandi, Seyed Alireza (2014). "Why did Imam Khomeieni agree with the motto "the less children, the better life"?" Comprehensive Portal of Imam Khomeini. [www.imam-khomeini.ir](http://www.imam-khomeini.ir). Date: 20/1/2020. (In Persian)
- Mazaheri, AbuDharr (2012). "political stability Factors". Academics Porseman. [www.porseman.com](http://www.porseman.com). (In Persian)
- McSweeney, B (2004). *Security, Identity and Interests: A Sociology of International Relations*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Mesbah Yazdi, Mohammad Taghi (2010). *Educating beliefs*, Vol. 1. Tehran: International Publishing Company. (In Persian)
- Moin, Mohammad (2007). *Moin Culture*, Vol. 1. Tehran: Edna. (In Persian)
- Motahari, Morteza (1993). *The Collection of works*, Vol. 2. Tehran: Sadra. (In Persian)
- Mousavi, Seyed Saeed (2020). "Security reference in Imamiye jurisprudence with emphasis on the jurisprudential thought of Imam Khomeini and Ayatollah Khamenei". PhD Thesis, University of Tehran, Faculty of Education and Islamic Thought. (In Persian)

- Movaseghi, Seyed Ahmad and Karamzadeh, Muslim (2011). "Effect of political Stability on Development". *Politics Quarterly*. Vol. 41, No. 3: 321-340. (In Persian)
- Muhaddisi, Javad (2002). *Messages of Ashura*. Qom: Kowsar Ghadir. (In Persian)
- Noor Mohammadi, Morteza (2015). "Security reference in the security school of the Islamic Republic of Iran". *Security horizons*. Vol. 26: 135-153. (In Persian)
- Poursaid, Farzad (2010). "Security reference in Imam Khomeini's speech Action". *Strategic Studies Quarterly*. Vol. 13, No. 15: 29-53. (In Persian)
- Qorbi, Seyed Mohammad Javad and Mousavi, Seyed Sadruddin (2014). "Study of security reference in security school of Imam Khomeini". *Islamic Revolution Research*. No. 9: 83-108. (In Persian)
- Saadatfar, Ehteram (2010). "Security reference from Imam Khomeini's point of view". *Farhang e pazhuohesh*. No. 7: 35-56. (In Persian)
- Sahib Ma'alem, Hassan Ibn Zayn al-Din (without date). *Ma'alim al-Din and Malaz al-Mujtahidin*. Qom: Islamic Publications Office.
- Sheikh Tusi, Muhammad ibn Hassan (1986). *Tahzib al-Ahkam*, Vol. 6. Tehran: Darul Kotob Islamiye.
- Sohrabi, Mohammad (2015). *Defensive strategy in Imam Khomeini's thought*. Tehran: Orouj. (In Persian)
- Tabatabai, Mohammad Hussein (2011). *Al-Mizan fi Tafsir al-Qur'an*, Vol. 1. Beirut: Al-alami.